



موقعیت های عزیزی بانک

عزیزی بانک با داشتن ۷۵ نمایندگی، ۹ غرفه توسعه‌ی، ۵۷ پایه ماشین اتومات صرافی و دو پایه ماشین جمع آوری پول نقد در سر تا سر کشور، بحیث بزرگترین بانک کشور در خدمت شما است.

f in t y www.azizibank.af 1515



بانک مورد اعتماد همه

## حمله افراد حکمتیار به نماز گزاران در تخار



صفحه ۶

## وقتی میگویند، بدیل نیست!!!

از صفحه فیسبوک احمد ولی مسعود

هزارگانه‌ی رهبری حکومت موجود از سر ضعف و انتقادات شدید مردم به حرف می‌آیند، می‌گویند بدیلی نیست و اگر ما نباشیم چه خواهد شد؟! داستانی به ذهنم آمد؛ گفتند عقل ده (قریه) را بیاورید که مرد گیر افتاده بالای بام را که راهی برای پایین شدن نداشت، نجات دهد. عقل ده آمد و دید و دستور داد، ریسمان بیاورید. یک سر ریسمان را به مرد گیر افتاده بالای بام پرتاب کرد و گفت که خودش را با ریسمان سخت بیند. مرد بیچاره همان کرد و عقل ده با یک کش، مرد بخت برگشته را از بام پایین کشید و مرد جان داد و تمام شد. همه مردم ده که ناظر اوضاع بودند، دوروبر جسد تجمع کردند و چند لحظه بعد متوجه شدند که عقل ده به گوشه رفته گریه میکند. کسی از جمع رفت و بخاطر دلداری به وی گفت، خیر باشد گریه مکن، تلاش خود را کردی، شاید قسمت همین بود که شد. عقل ده جواب داد و گفت، میدانم، من با همین ریسمان بسیاری ها را از چاه های بسیار عمیق و هولناک نجات داده ام. گریه من بخاطر این نیست، بلکه به این خاطر است که اگر من در میان شما نباشم، شما چه خواهید کرد!!

## وزیر پیشین مخابرات بیگناه هست



عبدالله عبدالله، رئیس اجرایی حکومت وحدت ملی می‌گوید، دادستانی کل افغانستان پس از طی مراحل طولانی، اتهامات وارد شده بالای وزیر پیشین مخابرات را نادرست ثابت کرده و حکم برائت او را صادر کرده است.

آقای عبدالله این سخن را در دیدار با عبدالرزاق وحیدی، وزیر پیشین مخابرات اعلام کرده و افزوده است که شما هیچ مسوولیت و دخالت در باره ادعاهای صورت گرفته، ندارید. داکتر عبدالله تاکید کرده است که آقای وحیدی

به عنوان یک شخص وطن دوست آن چه در توان داشته، انجام داده و این براساس بررسی‌ها روشن شده است.

رئیس اجرایی حکومت گفته است که آقای وحیدی، در دوران متصدی وظیفه‌اش در وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی مشکلی وجود نداشته است.

او درباره چگونگی نوع بررسی‌ها می‌گوید، این قضیه و نحوه بررسی آن می‌تواند، ما را کمک کند تا در آینده کسی با این سرنوشت مواجه نگردد.

آقای عبدالله درباره به تأخیر افتادن بررسی قضیه آقای وحیدی گفت که بحث عواید مخابرات و مدیریت زمان یک بحث بسیار عمده است؛ تا عواید آن به صورت شفاف جمع‌آوری شود.

در عین حال، وزیر پیشین مخابرات و تکنالوژی معلوماتی، گفته است که در تمام دوران کار دولتی‌اش و به ویژه در دوران متصدی وزارت حاضر به شفافیت و پاسخ‌گویی می‌باشد.

گفتنی است که ارگ در اوایل ماه اول میلادی سال ۲۰۱۷ اعلام کرده بود که به دلیل اتهام فساد مالی بالای عبدالرزاق وحیدی، وزیر مخابرات و تکنالوژی معلوماتی، وظیفه او به تعلیق در آمده است.



یو شمېر رامنځته شوي گوندونه او خوځښتونه راجسټر شوي نه دي



دست عدالت را به گریبان جنایت کاران قتل عام در میرزا اولنگ می‌رسانیم



ایا امریکا جنگ افغانستان را به بلک واتر می‌سپارد؟

# میرزا اولنگ؛ از فاجعه‌ی که جلوگیری نشد!



آرشیو

نشاندهند زیرهیچ ایدئولوژی و فکری نمی‌توانند پنهان شوند. امروز نیز برای تبیین وضعیت و آن چه که در سرپل اتفاق افتاده، نیاز به دیدگاه‌های هانا آرنت در کتاب ابتدال شر داریم. جنایاتی از این دست حتی نمی‌توانند به صورت فردی مسوولیت آور نباشند. نمی‌توان مدعی شد که به دلیل یک امر ناشناخته بزرگ و یا به دستور فرماندهان و رهبران در جنایاتی به این هولناکی شریک ورزیده ایم. فرد فرد آنانی که فاجعه میرزا اولنگ را رقم زده‌اند مسوولیت این جنایت بزرگ را به عهده دارند. فرد فرد آنانی که به دلایل سیاسی از وقوع این فاجعه جلوگیری نکرده‌اند، مسوول این فاجعه انسانی شناخته می‌شوند. میرزا اولنگ فریاد مظلومیت در زمانه است که از حقوق بشر سخن گفته می‌شود. میرزا اولنگ در کشوری و شرایطی اتفاق می‌افتد که از شانزده سال به این سو، جامعه جهانی برای تحقق ارزش‌های حقوق بشری و مردم سالارانه سالانه میلیارد ها دالر را هزینه کرده است. داعش و طالبان در برابر چشمان بشریت جنایاتی از نوع اشویتس و جزایر کولاگ را مرتکب می‌شوند. چگونه این جنایات دیده نمی‌شوند و هیچ واکنشی در خوربر نمی‌انگیزند؟ رییس جمهوری فقط پس از وقوع جنایات هولناک طالبان و داعش فقط به جمله مندرس و فاقد مفهومی چون "انتقام می‌گیریم" پناه می‌برد و ناتوان نسبت به چنین حوادثی ابراز نگرانی می‌کند. کل آن چه که برای جلوگیری از این گونه حوادث صورت می‌گیرند، همین جملات کلیشه‌ی بی‌فایده معناست. رییس جمهوری برای شانه خالی کردن از بار مسوولیت می‌گوید که "تاکتیک جنگ مخالفان مسلح تغییر کرده است و به همین دلیل آن‌ها موفق می‌شوند که جنایاتی از نوع میرزا اولنگ و یا تیوره را انجام دهند. آیا واقعا چنین است و یا رییس جمهوری توضیح دیگری برای همان جنایات همیشه گی "برادران ناراضی" ندارد؟

وجود دارند که راه به چنین تحلیلی می‌برند. عده‌ی از تحلیل‌گران باور دارند، ارگ ریاست جمهوری با وجود اطلاع کافی از وضعیت وخیم سرپل و منطقه هزاره نشین میرزا اولنگ در این ولایت، برای وارد کردن فشار بر مخالفان سیاسی خود، اجازه داد که نیروهای داعش و طالبان به ساده‌گی وارد منطقه شوند و دست به وحشیانه‌ترین جنایات بزنند. اگر این حدس گمان‌ها صحت داشته باشند، معادلات زیادی در کشور دچار دگرگونی می‌شوند. دیگر نمی‌توان نسبت به اقدام‌های دولت که می‌تواند از شهروندان کشور حفاظت کند، مطمئن بود. دیگر نمی‌توان از جلوگیری از رخ داد‌های مشابه سخن گفت. دیگر نمی‌توان نسبت به عملکرد غیرجانبدارانه نهاد‌های امنیتی ابراز شک نکرد. در این که نیروهای امنیتی کشور برای دفاع از کشور آماده‌اند، هیچ جای شک و نگرانی وجود ندارد ولی آیا به همان میزانی که آن‌ها اراده برای مبارزه با دشمنان دارند، رهبران حکومت نیز چنین اراده‌ی دارند؟ این جاست که باید نسبت به اتفاق‌های به وقوع پیوسته مشکوک بود و به ساده‌گی از کنار آن‌ها رد نشد. رد شدن از فاجعه میرزا اولنگ به معنای وقوع دوباره آن است، به معنای آن است که به صورت تعمدی بگذاریم این فاجعه در منطقه دیگر از افغانستان تکرار شود. وقتی در سرآغاز این نوشته فاجعه میرزا اولنگ با اشویتس در آلمان نازی و جزایر کولاگ در شوروی سابق مقایسه شد، دلیل روشن آن این بود که نسل‌کشی مشهود در میرزا اولنگ این شباهت را آشکار می‌سازد. در میرزا اولنگ نیز چونان زندان اشویتس و اردوگاه موسوم به جزایر کولاگ نسل‌کشی واقعی صورت پذیرفت. آن هم در عصری که جهان تلاش می‌کرد که از هر گونه راسیسم و نژاد پرستی خود را برهاند. نوع و ابعاد جنایاتی که در میرزا اولنگ اتفاق افتاده شاید به اندازه اشویتس و جزایر کولاگ نباشد ولی بدون شک از بعد اخلاقی به همان اندازه جنایاتی ضد بشری است. آنانی که میرزا اولنگ را به سوگ

آنچه که در میرزا اولنگ اتفاق افتاده، بدون تردید فاجعه بشری است. طالبان و داعش به صورت هماهنگ در این منطقه از افغانستان جنایاتی را مرتکب شدند، که تنها نمونه آن را در اشویتس و جزایر کولاگ می‌توان دید. گزارش‌های منتشر شده از میرزا اولنگ نشان می‌دهند که گروه‌های تمامیت خواه و تکفیری هیچ اصلی را به عنوان انسانیت به رسمیت نمی‌شناسند. اطلاعات اولیه نشان می‌دهند که دولت اگر تلاش می‌کرد و مساله را جدی می‌گرفت، فاجعه میرزا اولنگ اتفاق نمی‌افتاد، همان طور که اگر چنین اراده در مورد تیوره و یا هر نقطه دیگر افغانستان وجود می‌داشت. میرزا اولنگ نشان داد که به همان میزان طالبان و داعش افرادی در نهاد‌های امنیتی نیز مقصر وضعیت‌اند. طالبان و داعش اگر به صورت سیستماتیک دست به جنایت زده‌اند، ولی عده‌ی دیگر در دستگاه‌های امنیتی کشور در بلندترین سطح به دلایل نامعلوم از چنین رویدادی جلوگیری نکرده‌اند. گفته می‌شود که افتاد، داده شده بود. مسوولان سرپل ادعا می‌کنند که جدیت مساله را به نهاد‌های امنیتی و شورای امنیت ملی خیر داده بودند ولی این که چه دلایلی برای دست کم گرفتن این هشدارها وجود داشته هنوز توضیحی وجود ندارد. رییس جمهوری پس از آن که فاجعه میرزا اولنگ اتفاق افتاد، اعلام کرد که انتقام آن را می‌گیرد ولی حتی همین موضوع در حد شعار باقی مانده است. وقتی مسوولان امنیتی از ورود به میرزا اولنگ خبر می‌دادند، گزارشگران رسانه‌ها روایتی متفاوت از منطقه داشتند. گفته می‌شود که حتی میان اعلام ورود به میرزا اولنگ تا رسیدن واقعی نیروهای امنیتی به منطقه کم از کم ۲۴ ساعت تفاوت وجود داشته است. آیا آن گونه که برخی‌ها ادعا می‌کنند، در به وجود آمدن فاجعه میرزا اولنگ قصد سیاسی وجود داشته است؟ هنوز نمی‌توان در این مورد با قاطعیت سخن گفت ولی بدون شک نشانه‌های

## سخن‌ماندگار

### نسل‌کشی به هدف خالی کردن مناطق از سکنه

منابع در وزارت دفاع ملی گفته‌اند که نیروهای نظامی کشور عملیات‌هایی را از زمین و هوا، بر مواضع طالبان در روستای میرزا اولنگ ولایت سرپل، در شمال کشور راه انداخته است. این عملیات شنبه شب، از هوا و زمین آغاز شد و تا صبح جمعه، دو پاسگاه که به تصرف طالبان درآمده بود، پس گرفته شده است. این عملیات تقریباً یک هفته پس از تصرف این منطقه استراتژیک به دست گروه طالبان و کشتار وحشیانه ده‌ها غیرنظامی شامل زنان و کودکان و پیرمردان، صورت گرفته است. گفتنی است که هنوز رقم درست کشته‌های عملیات طالبان مشخص نیست؛ اما از آنجایی که کشته‌شده‌ها توسط گروگان‌هایی که نزد طالبان اسیر بودند در قبرهای دسته جمعی بدون تشریفات مذهبی دفن شده است، هرگز رقم مشخصی ارایه نخواهد شد؛ زیرا سیاست دولت هم همین است تا رقم کشته شدن افراد در این منطقه را به مراتب اندک نشان بدهند. اکنون دولت یک هفته بعد از این که طالبان توانستند جنایات شکم‌سیری را در اشترک با داعش، در این روستا انجام دهند، و سروصدایش همه جهان را در نوردید، تصمیم به انجام عملیات گرفته است. این عملیات در حالی صورت می‌گیرد که دیگر هیچ باشنده‌ی در آن روستا باقی نمانده است. زیرا صدها تن شان کشته شده‌اند و صدها تن دیگر از باشنده‌گان آن روستا چند روز بعد از اسارت طالبان بعد از دفن کردن کشته شده‌گان رها شدند و نیز تعدادی هم فرار کرده بودند. سوال این است که حالا این عملیات چه دردی را درمان خواهد کرد. زیرا طالبان آنچه را خواستند انجام دادند و دوباره به مرکزهای اصلی شان بر می‌گردند و این عملیات هم بدون اینکه به طالبان تلفات لازم را وارد کند، پایان می‌یابد؛ اما شاید روستای مذکور از دست طالبان قسماً آزاد شود. سوال اینگونه مطرح شود که چرا دولت همین قوتی را که حالا از زمین و هوا در محل استعمال می‌کند، قبل از وارد شدن طالبان به آنجا، انجام نداد؟ وجود آنکه بارها مقامات محلی و نظامی ولایت سرپل از مقامات نظامی و سیاسی مرکز تقاضا کرده بودند که برای درهم شکستن قدرت‌های گرد آمده طالبان در اطراف میرزا اولنگ، باید نیرو فرستاده شود؛ اما چنین نشد تا اینکه سربازان اندک دولتی در برابر هزاران طالبان تا دندان مسلح شکست خوردند و فجایع و جنایات بشری هم اتفاق افتاد. پرواضح است که اگر حکومت نصف همین امکانات را قبل از وقوع فاجعه به منطقه می‌فرستاد، آن جنایت تاریخی هرگز اتفاق نمی‌افتاد؛ اما پرداختن به این سوال مهم، پاسخ واضح و روشنی می‌خواهد که ریاست جمهوری هرگز به آن نمی‌پردازد.

کشتار بیرحمانه مردم میرزا اولنگ که یک دره استراتژیک است، به عنوان یک نسل‌کشی، به هدف خالی شدن این محل از سکنه است که در ادامه بازی‌های استخباراتی شکل می‌گیرد و اینگونه رویدادها به شکل‌های مختلف در دیگر نقاط کشور هم صورت گرفته است؛ از جمله روستاهایی در ولایت کنر و ننگرهار بر اثر اصابت راکت‌هایی که ظاهراً گفته می‌شود که از پاکستان پرتاب می‌شده است، خالی از سکنه شده و امروزه پایگاه‌هایی برای داعش شده است. چنانکه اکنون مردمان میرزا اولنگ دیگر آن توان را ندارند که به آن دره برگردند و اگر برگردند، بار دیگر به سرنوشت مشابهی مبتلا خواهند. بنابراین به نظر می‌رسد که کشتارهای اخیر به خصوص نسل‌کشی در میرزا اولنگ به هدف تخلیه مناطق استراتژیک و تبدیل شدن آن به پایگاهی برای گروه‌هایی مثل طالبان و داعش است و این در یک تعامل ممکن فقط شکل گرفتنی است و بس. حالا آقای غنی باید واضح سازد که در زیر ریش او چه می‌گذرد؟

## دادستان کل:

# دست عدالت را به گریبان جنایت کاران قتل عام در میرزا اولنگ می‌رسانیم

روح الله بهزاد



مسوولان در دادستانی کل کشور اعلام کردند که قتل عام در روستای میرزا اولنگ ولایت سرپل را بررسی می‌کنند. فرید حمیدی، دادستان کل کشور که در سومین روز نشست مشترک مبارزه با فساد اداری در نهادهای امنیتی و دفاعی صحبت می‌کرد، گفت که در باره قتل عام در روستای میرزا اولنگ تحقیقات همه‌جانبه‌یی را در این منطقه انجام می‌دهند و عاملان داخلی و خارجی این جنایت را شناسایی کرده و به دادگاه می‌کشانند.

از سویی هم، شماری از شهروندان در نقاط مختلف کشور از سران حکومت و وحدت ملی می‌خواهند، اگر امنیت مردم را تأمین کرده نمی‌توانند باید استعفا بدهند. آقای حمیدی کشتار غیرنظامیان در روستای میرزا اولنگ را جنایت جنگی و نسل‌کشی خواند و افزود: گزارش‌های نخستین نشان می‌دهد که عناصر جنایت علیه بشریت در این رویداد تلخ وجود دارند.

دادستان کل به مردم اطمینان می‌دهد که دست عدالت را به گریبان تمام کسانی که مرتکب این جنایت شده‌اند، خواهد رساند. فرید حمیدی بیان داشت: به این پرونده در دادگاه جهانی نیز رسیدگی می‌شود، اما در گام نخست حکومت افغانستان باید به آن رسیدگی کند.

همزمان با این، در چند روز گذشته، شماری از فعالان مدنی در کابل و در گردهم‌آیی‌های جداگانه در ولایت‌های مختلف کشور، از حکومت و نهادهای حکومتی و جهانی خواستند تا به بازمانده‌گان قربانیان رویداد میرزا اولنگ رسیدگی کنند و عاملان این رویداد را نیز به کیفر برسانند.

«گروه هم‌آهنگی عدالت انتقالی» با برگزاری یک نشست خبری در کابل گفتند، کشتار غیر نظامیان در ولایت سرپل هدف‌مندانه و جنایت بشری بی‌سابقه در کشور به شمار می‌رود.

مسوولان در این نهاد بر این باور اند که یکی از عوامل ارتکاب و تکرار چنین جنایت‌های ضد بشری در کشور، فقدان توانایی دولت در تأمین امنیت شهروندان، به ویژه اقلیت‌های قومی و مذهبی می‌باشد. نعیم نظری، یکی از اعضای این گروه گفت: «اغماض و چشم‌پوشی از جنایات ضدبشری گروه‌های تروریستی، امکان بازتولید فجایعی مثل قتل عام میرزا اولنگ را فراهم می‌کند.

ادامه سیاست اغماض و فرهنگ معافیت در قبال غفلت ارگان‌های امنیتی و جنایات گروه‌های تروریستی و فقدان اقدامات جدی برای تأمین امنیت شهروندان، به‌ویژه اقلیت‌های قومی و مذهبی، مایه اصلی نگرانی ما می‌باشد».

# آیا امریکا جنگ افغانستان را به بلکواتر می‌سپارد؟

ابوبکر صدیق

در حالی که استراتژی جدید نظامی امریکا برای افغانستان اعلام نشده است، برخی از گزارش‌ها می‌رساند که ایالات متحده امریکا در نظر دارد، جنگ افغانستان را به شرکت خصوصی نظامی «بلک واتر» بسپارد. امریکا با حضور شانزده ساله خود در افغانستان، طولانی‌ترین جنگ را تجربه کرده است. در سال ۲۰۰۱ وقتی نخستین بار ایالات متحده امریکا وارد افغانستان شد، گمان می‌رفت طالبان شکست می‌خورند و افغانستان می‌تواند روی پاهای خود بایستد.

اما پس از گذشت ۱۶ سال جنگ، ایالات متحده امریکا و متحدانش تلفات زیادی را در افغانستان متحمل شدند. میلیاردها دلار کمک جهانی برای افغانستان بیشتر به دلیل فساد حیف و میل شد و پروژه‌های بازسازی در حال ویران شدن است. طالبان بیشتر از هر زمانی قوی‌تر شده و مناطق بیشتر افغانستان ناامن شده‌اند.

حالا ایالات متحده امریکا در مورد بازبینی استراتژی خود در افغانستان غور می‌کند. اخیراً یک مقام استخباراتی امریکا به کابل سفر کرد. هرچند این سفر پنهانی صورت گرفت، ولی رسانه‌های داخلی گزارش دادند که ملاقات این مقام امریکایی با محمد اشرف غنی، رئیس حکومت وحدت ملی و داکتر عبدالله رییس اجرایی تنش‌آلود بوده است. در همین حال، وزارت دفاع ملی گفته است که واگذاری جنگ افغانستان به نهاد خصوصی «بلک واتر» تا هنوز در سطح پیشنهاد قرار دارد و صورت رسمی بیان نشده است.

این در حالی است که شانزده سال از جنگ قوت‌های ناتو به رهبری امریکا در افغانستان می‌گذرد، اما گروه‌های تروریستی در بیش از ۶۵ درصد از مناطق افغانستان در قلمرو طالبان قرار دارد و تهدیدهای امنیتی به شکل روزافزون گسترش می‌یابد.

در کمتر از یک ماه گذشته بیش از سه ولسوالی به دست طالبان سقوط کرد. طالبان در ساحه میرزا اولنگ ولسوالی صیاد ولایت سرپل بیش از ۵۰ تن افراد ملکی را به شهادت رسانیدند.

به گفته مسوولان نظامی افغانستان، در حال حاضر بیش از ۲۰ گروه تروریستی در افغانستان فعالیت دارند که نسبت به سال ۲۰۰۲، ۹۰ درصد افزایش را نشان می‌دهد. این در حالی است که «اریک پرنس» بنیان‌گذار شرکت‌های نظامی خصوصی «بلک واتر» به دولت ایالات متحده امریکا وعده سپرده است که تنها با پول کم عملیات را انجام داده می‌تواند. هر چند آقای پرنس، در مورد تلفات این عملیات‌ها چیزی نگفته است.

در حال حاضر ایالات متحده امریکا بیش از پنج هزار کارمندان اجیر با ۹ هزار سرباز در افغانستان دارد. کشتی‌های خصوصی برای ۹۰ هواپیما که مصارف سالانه آن بالغ به ۱۰ میلیارد دلار می‌شود که چهار برابر کمتر از مصارف پنتاگون است.

به باور آگاهان مسایل سیاسی، امریکا وقتی با چنین مصرفی نتوانست در جنگ افغانستان پیروز شود، یک نهاد خصوصی نمی‌تواند، چنین بار سنگینی را بدوش بکشد.

به اساس گفته‌های مشاوران نظامی رییس‌جمهور امریکا، آقای ترامپ در تلاش در یافت راه‌حل برای بیرون رفتن از جنگ جاری در افغانستان است. آقای ترامپ چندی پیش به مشاوران نظامی خود گفته بود که امریکا در جنگ افغانستان پیروز نیست.

ترامپ به جوزف دانفورد، رییس ستاد مشترک ارتش امریکا و جیمز متیس، وزیر دفاع آن کشور دستور داده بود که در مورد کناره‌گیری جنرال جان نیکلسون، فرزند عمومی نیروهای ناتو در افغانستان غور و بررسی کنند. این نشان می‌دهد که دست‌آوردهای جنگ امریکا در افغانستان ملموس نیست.

اما، اگر جنگ جاری افغانستان از نیروهای امریکایی به نهاد خصوصی بلک‌واتر سپرده شود، آیا امریکا در جنگ افغانستان پیروز خواهد شد؟ آگاهان سیاسی-نظامی می‌گویند که تجربه پیشین شرکت بلک‌واتر در افغانستان نشان داده است که این شرکت توانایی مدیریت جنگ افغانستان را ندارد.

آنان باور دارند که در صورت واگذاری جنگ افغانستان به شرکت خصوصی بلک‌واتر، نه تنها وضعیت امنیتی بهتر نخواهد شد، بلکه جنگ تشدید خواهد یافت. در حالی که برخی اوقات بر خورد شرکت بلک واتر با مردم افغانستان بسیار خشن و مخالف با معیارهای حقوق بشری خوانده شده است.

عتیق‌الله امرخیل، آگاه نظامی بر این باور است که مردم افغانستان از شرکت بلک‌واتر در افغانستان تجربه تلخی دارند و در برخی موارد، مسوولان این شرکت مخالف با معیاری‌های انسانی و حقوق بشری با شهروندان رفتار کرده‌اند.

یکی از دلیل سپردن جنگ افغانستان به شرکت بلک‌واتر، کاهش هزینه جنگ و جلوگیری از تلفات ارتش امریکا گفته شده است. کسانی که طرفدار واگذاری جنگ افغانستان به شرکت‌های خصوصی هستند، تأکید می‌کنند که با این کار از تلفات ارتش امریکا جلوگیری می‌شود.

آگاهان به این باور اند که فساد عامل اصلی ناکامی در جنگ افغانستان است. نهادهای نظارتی بارها گزارش داده‌اند که بخشی از اسلحه و مهماتی که از پول کمک‌های جهانی برای نیروهای امنیتی افغانستان خریدار می‌شود، به دلیل فساد به مخالفان مسلح دولت فروخته می‌شود.

سربازان خیالی مشکل دیگر در میان نیروهای امنیتی افغانستان است. نهادهای داخلی و خارجی همواره انتقاد کرده‌اند که فهرست‌های طولی از سربازان در میدان‌های نبرد داده می‌شود و معاش و مهمات آنان تهیه می‌گردد، ولی در عمل بخشی از این سربازان خیالی هستند و تعداد سربازان در میدان‌های نبرد کمتر از آن است که گزارش داده می‌شود.

مقام‌ها در دولت افغانستان نیز تأیید می‌کنند که فساد در نهادهای امنیتی سبب شده است تا زحمات و قربانی‌های نیروهای امنیتی در میدان‌های نبرد، هدر برود. همین دو روز پیشتر دکتر عبدالله عبدالله، رییس اجرایی حکومت وحدت ملی، از فروش تجهیزات نظامی نیروهای امنیتی سخن زد و آن را خیانت ملی خواند.





دكتور عبدالقهار سرورى \*

بخش پنجم

# طرحی علمی برای متحول سازی و رشد کیفی تحصیلات عالی در افغانستان

۹ - اعتبارسنجی و تضمین کیفیت: اعتبارسنجی و بررسی اسناد، مدارک و کارهای علمی و اکادمیک استادان و کارمندان اکادمیک نهادهای تحصیلات عالی و همچنان اعتبارسنجی و تضمین کیفیت نهادهای تحصیلی باید به گونه مداوم و منظم راه اندازی شود. به خاطر مبارزه با جعل، فریب کاری و سرقت ادبی، باید اسناد تحصیلی، القاب و کارهای اکادمیک استادان به گونه همیشه گی و تصادفی مورد بررسی و اعتبارسنجی قرار گیرند و در صورت موجودیت هرگونه تخلفی، مورد بازپرس جدی قرار گیرند تا کارهای معیاری و شفاف علمی و اکادمیک و انجام کارهای معیاری و مسوولانه در چارچوب فعالیت های اکادمیک نهادینه شود. همچنان باید مکافات و مجازات به گونه شفاف و واقعی آن، بخشی از برنامه های کاری همیشه گی در عرصه تحصیلات عالی افغانستان پنداشته شود.

ب- بخش محتوایی و کاربردی بخش محتوایی و کاربردی این طرح شامل مفاهیم، عناصر، جنبه ها و الزاماتی می باشد که به بخش ساختاری آن مفهوم می بخشد.

به خاطر نداشتن مهارت های نرم فردی نمی توانستند از مهارت های تخصصی و اکادمیک خود به گونه درست استفاده نمایند، و یا برعکس آن. مهارت های نرم به آن عده از مهارت ها و توانایی های فردی گفته می شود که متعلق به ویژه گی های فردی، شخصیتی و درونی انسان ها می باشند.

۳ - راه اندازی سمینارها و کنفرانس های علمی: تدویر کنفرانس ها، سمینارها و ورکشاپ های معیاری و مفید علمی و اکادمیک به خاطر ارایه و شریک سازی یافته های علمی و نظریات سازنده استادان و کارکنان عرصه های علمی و اکادمیک در کشور، یک ضرورت جدی برای رشد تحصیلات عالی و یک کار سازنده برای گسترش دانش و مفاهیم علمی محسوب می شود.

۴ - ایجاد ژورنال های علمی: ایجاد و راه اندازی ژورنال های معیاری علمی در سطح وزارت تحصیلات عالی به خاطر تحت پوشش قرار دادن فعالیت های مهم علمی در هر بخش مهم (مانند ساینس، علوم اجتماعی، طب و دوا سازی، تخنیک و تکنالوژی و...) و همچنان فعال سازی یک یا چند ژورنال معیاری و علمی در سطح هر پوهنتون و نهاد



تحصیلی برای نشر و پخش یافته های علمی و اکادمیک، از نیازهای جدی برای رشد کیفی تحصیلات عالی در کشور محسوب می شوند.

۵ - بررسی فکتهای تأثیرگذار روی تحصیلات عالی: بررسی فکتهای تأثیرگذار روی تحصیلات عالی و دارای نقش مهم روی پروسه های تدریس و آموزش، از جمله الزامات اساسی تطبیق برنامه های سازنده تحصیلی در کشور محسوب می شود. بنابراین، باید برای شناسایی فکتهای و مسایل تأثیرگذار روی پروسه تدریس و آموزش، برنامه های معقول و منظم روی دست گرفته شده و از فکتهای دارای تأثیرات مثبت (مانند برقراری ارتباطات میان محصلین، کارهای گروهی، رقابت های سالم، انجام تجارب و کارهای عملی و...) در جهت بهبود شرایط آموزشی استفاده شود و برای دور ساختن فکتهای دارای تأثیرات منفی (مانند تعصب و تبعیض، رقابت های ناسالم، جعل و فریب کاری و...) نیز تلاش های جدی و مداوم صورت گیرد.

۶ - بازنگری کریوکولم درسی: بازنگری کریوکولم درسی و تهیه و تطبیق کریوکولم و مفردات درسی مطابق به روش های معیاری و مدرن تحصیلی برای رشد کیفی تحصیلات عالی، یک نیاز جدی پنداشته می شود و باید

تمام مواد و مفردات درسی قابل تدریس در نهادهای تحصیلات عالی در کشور مورد بازنگری قرار گیرند و کمیته های موظف مسلکی و دارای صلاحیت های علمی و اکادمیک بخاطر بازنگری و نوسازی کریوکولم و مواد درسی، به گونه مداوم کار نمایند.

۷ - احصایه گیری و شناسایی ظرفیت های احصایه گیری و شناسایی ظرفیت های موجود در تحصیلات عالی افغانستان - که در کشورهای متفاوت و دارای تحصیلات عالی معیاری در دوره های ماستری و دکورا تحصیل نموده اند و لی به خاطر غیرفعال بودن سیستم کهنه و غیر معیاری تحصیلی در افغانستان در پشت موانع و ساختارهای نامنجم پنهان اند - می تواند در راستای رشد و دگرگونی تحصیلات عالی افغانستان زیاد مفید واقع شود. می توان از ظرفیت ها و کادرهای موجود در کشور در راستای انکشاف و بهبود وضع تحصیلات عالی استفاده نمود و برای آن ها نیز زمینه های کار و سهیم شدن در راستای بهبود وضع تحصیلی در کشور را مهیا کرد.

۸ - ازدیاد تعداد استادان دارای سطح تحصیلی دکورا: ازدیاد تعداد استادان دارای سوبه تحصیلی دکورا به گونه معیاری و حضوری از پوهنتون های معتبر دنیا، به حدود یک هزار تن ظرف هفت سال آینده از جمله نیازهای جدی برای رشد و دگرگونی تحصیلات عالی در کشور محسوب می شود. این تعداد متخصصین می توانند از طریق اسکالرشپ های تمویل شده از سوی بانک جهانی، بورسیه های رایگان داده شده از سوی کشورهای خارجی و راه اندازی برنامه های تحصیلی دوره دکورا در کشور، تحصیلات خود را به پایان برسانند. باید دانست که برخوردار شدن از امتیاز و لقب علمی و اکادمیک سطح دکورا به گونه معیاری داری شرایط ذیل می باشد:

- ارایه و ارزیابی یک ذهنیت تازه، مفید و قابل کنترل در چارچوب یک مبحث معیاری علمی؛

- شناسایی و حل یک مشکل اساسی و یا هم شناسایی و پُر نمودن یک خلای مهم موجود در بستر علوم و ادبیات اکادمیک؛

- انجام حداقل یک پژوهش علمی و معیاری و منتشر نمودن حداقل یک مقاله علمی در یکی از ژورنال های معتبر دنیا؛

- سپری نمودن حداقل دو سال به حیث محصل/ پژوهش گر به گونه عملی و حضوری در یکی از پوهنتون ها و نهادهای تحصیلات عالی معیاری و دارای صلاحیت اکادمیک برای تدویر تحصیلات دوره دکورا (این شرط بر مبنای نورم های متفاوت، تا حدی حالت انعطاف پذیری دارد)؛

- تهیه پایان نامه و دفاع آن در یک کمیته معیاری و با صلاحیت علمی که حداقل دو پروفیسور دارای سوبه تحصیلی دکورا عضویت آن را داشته باشند. یعنی بدون برخوردار بودن از شرایط یاد شده، که مقاله علمی آن به گونه آنلاین برای همه قابل دسترس باشد، سند دکورا دارای اعتبار جدی نخواهد بود.

استاد پوهنتون البیرونی و برنده جایزه بهترین پژوهش علمی در کنفرانس ملی تحقیقات تخصصی فوق لیسانس مالیزیا در سال ۲۰۱۶ (NCON-PGR-2016) (Malaysia) دکورا: ارتباطات و تکنالوژی بشری، پوهنتون پهنگ مالیزیا (UMP) ماستری: ارتباطات تخصصی و زبان انگلیسی، پوهنتون پهنگ مالیزیا لیسانس: ژورنالسم، پوهنتون کابل

بخش شصت و یکم

## پاره های پیوسته

### خاطراتی از رحمت الله بیگانه

هیچ باور نمی کردم که کابل می رویم. در آن روز شدید سردرد بودم، نمی دانم، شاید خوشی پیروزی و اندوه نبود امر صاحب، فشارم می داد و درد هر لحظه شدیدتر می شد.

همراه با استاد اسحاق فایز و وحیدالله دژکوهی، طرف جبل السراج حرکت کردم. ساعت یک پس از چاشت به جبل السراج رسیدیم و بعد از توقفی کوتاه به طرف کابل حرکت کردیم.

در موترمان یک بلندگو نصب شده بود و در شیشه های آن نیز تصاویر امر صاحب، از ولسوالی قره باغ گذشتیم، موترهای زیادی از طرف مقابل ما نمایان شدند. این سرک برای اولین بار بعد از حدود سه سال، به رفت و برگشت مردم باز شده بود.

حالت عجیبی بود؛ صدها موتر از کابل با شور و شوق فراوان، طرف شمال کابل در حرکت بودند، مردم از خوشی در کالا نمی گنجیدند، هر کس را می دیدی دهنی پُر خنده داشت.

حوالی ساعت ۳:۳۰ به کوتل خیرخانه رسیدیم، هزاران نفر به دیدن و استقبال مجاهدان آمده بودند. مردم در سرک های عمومی صف کشیده بودند، موتر حامل ما آهنگ های میهنی پخش می کرد و مردم با احساسات عجیب در رقص و پایکوبی بودند. سرک ها مملو از آدم های خاک آلودی بود که با ریش های دراز و لباس های چرکین، به استقبال کاروان مجاهدین آمده بودند.

اصلاً باورم نمی شد این جا کابل باشد، گویی به شهر ارواح داخل شده ام؛ چهره های نحیف و غم زده مردم، سنگینی رنج آن ها را در پنج سال حاکمیت طالبان نشان می داد.

ساعت ۴:۰۰ پس از چاشت، به وزارت اطلاعات و فرهنگ رسیدیم، پیش از ما عبدالحفیظ منصور خود را بدان جا رسانده بود.

همه چیز در جای خود قرار داشت، اکثریت مردم کابل از گریز طالبان ساعت ۹ صبح باخبر شده بودند. حوالی ساعت ۵ عصر همراه با عبدالحفیظ منصور، مدیر مسوول هفته نامه پیام مجاهد، به ریاست عمومی رادیو تلویزیون افغانستان رسیدیم.

در اداره گوینده گان رادیو افغانستان، شماری از مأمورین جمع شده بودند. در انبوه جمعیت، یک نفر با سر بدون لنگی و کلاه و ریش تراشیده، توجه ام را به خود جلب کرد؛ فکر کردم شاید خارجی باشد و حیران ماندم که چگونه پیش از ما به این جا رسیده است. عبدالحفیظ منصور حرف های مختصری با مأمورین داشت و هر کس پشت کار خود رفت. در ختم مجلس متوجه شدم که این آدم بدون ریش، داکتر عبدالله فهیم، گوینده مشهور رادیو و تلویزیون افغانستان است.

همه خوش بودند، مثل روزهای عید یکدیگر را در بغل گرفته، می بوسیدند.

#### طالبان فرار کرده بودند

۲۴ میزان ۱۳۸۰ خورشیدی، به وزارت اطلاعات و فرهنگ رفتیم. عبدالحفیظ منصور که سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ بود، به من گفت: از موزیم، آرشیف ملی، کتابخانه عامه و نگارستان میمنگی (نگارستان ملی) سرپرستی کن!

طالبان هیچ موتری را در وزارت جا نگذاشته بودند، فقط موتر موزیم بود که در اختیار من قرار داشت.

فقط یک روز بعد از فرار مخفیانه طالبان، مورخ ۲۴ میزان ساعت ۹ صبح، به دیدن نگارستان میمنگی رفته و یکه و تنها داخل دهلیز نگارستان شدم. در دهلیز یک میز کلان گذاشته شده بود و روی این میز، یک لنگی قرار داشت. ترسیدم و فکر کردم هنوز هم طالب از دنیا بی خبری این جا است. پیش رفتیم، سکوت ترسناکی نگارستان را فرسوده گرفته بود. چپ و راستم رسامی های طبیعت و حیوانات خودنمایی می کردند.



# جهانه شدن

## زبان فارسی

در دوره جهانی شدن، کشوری سود بیشتر می برد که تلاش بیشتری در حیطه نظری و عملی داشته باشد. نمی توان منتظر نشست تا چالش ها از بین بروند و بدون هیچ اقدامی تبدیل به فرصت شوند. جهانی شدن چشم اندازهای جدیدی را ایجاد می کند که یکی از موارد آن می تواند تقویت خود آگاهی و اعتماد به نفس بالا باشد. در دوران جهانی شدن باید از الگوهای جدید و آزموده در عرصه جهانی بهره گرفت، آنها را بومی کرد و تا حد امکان از تأثیر پذیری فرهنگی آنها برکنار ماند. زبان و ادبیات فارسی به عنوان دومین زبان دنیای اسلام علی رغم شیرینی در تکلم و عمق در معانی، در بیشتر کشورهای جهان خود را همچوار زبان های دیگر قرار داده است. تمامی فارسی آموزان به این عقیده هستند در کنار زبان فارسی که آن را بهترین دوست خود می نامند، توانسته اند بسیاری از جاذبه های نوشتاری و دیدنی حوزه فرهنگ پارسی را بکاوند و از گذشته و حال آن، حکمت های جدید و زیبایی را درک نمایند، به طوری که در شبانه روز چندین مرتبه در زمینه های ادب فارسی و تاریخ و تمدن گذشته و حال آن، بهترین مطالب را بیاموزند و اوقات خود را با آن سپری نمایند. امید می رود که این حرکت پرشتاب امیدبخش زبان فارسی که کمربند نغز و ادبی خود را در دور زمین گسترش داده است، سراسر گیتی را فراگیرد تا مردمان آن به شکوهش ببالند.

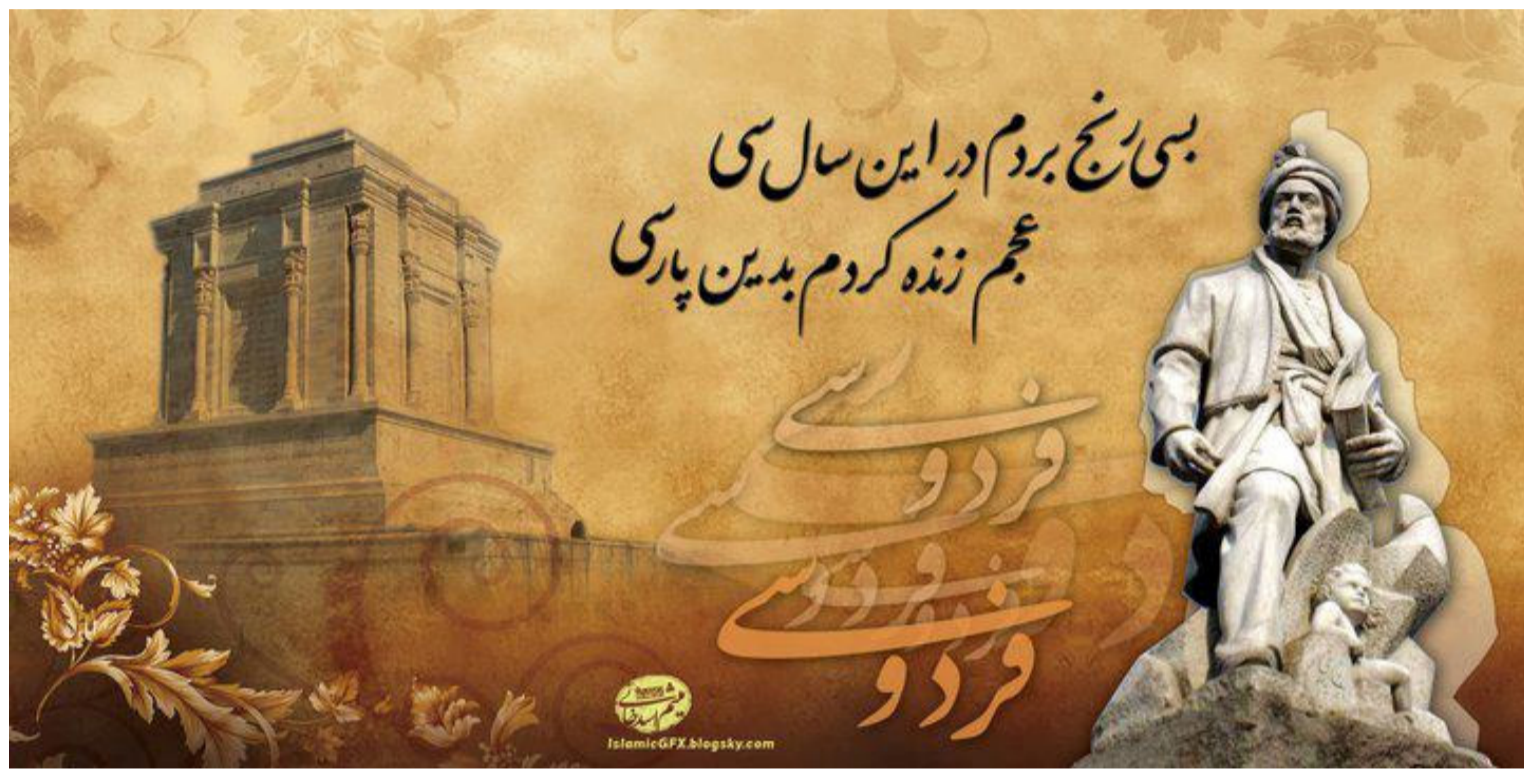
### گستره ها و بسترهای جدید جغرافیایی زبان و ادبیات فارسی در جهان

زبان فارسی را باید زبانی بین المللی دانست که اکنون علاوه بر حضور عام در کشورهای افغانستان، ایران و تاجیکستان، در بسیاری از مناطق جهان حضور خاص دارد. از جمله حضور زبان فارسی در شبه قاره هند و همچنین گستره جغرافیایی از اروپای شرقی و بوسنی و مجارستان تا ترکیه و کشورهای حاشیه خلیج فارس تا مناطقی از چین. زبان فارسی علاوه بر اهمیتی که برای ما پارسی زبانان دارد، به عنوان حامل معارف اسلامی و کلام خدا برای مسلمانان شرق جهان اسلام یعنی شبه قاره و جنوب شرقی آسیا نقش تاریخی مهمی ایفا می کند. توانایی و انعطاف پذیری زبان فارسی در ساخت واژه های جدید، آن را زبانی با توانایی برجسته در بیان دستاوردهای علمی دنیای جدید، نشان می دهد. این روزها ما شاهد تلاش هایی از سوی دولت ها، نهادهای گروه های مستقل و افراد آگاه و دلسوزی می باشیم که در جهت تحقق بیشتر زبان و ادبیات فارسی در جهان، گام های چشمگیری را برداشته اند. همچنین فعالیت های شخصیت های نامدار قلمرو زبان فارسی مانند: احسان یارشاطر، داریوش آشوری، کمال الدین کزازی، و دیگران از یک سو و سازمان های حقوقی و حضور سایت های رایانه ای زبان فارسی که هدفشان تقویت و گسترش زبان فارسی است - به شرط آن که مجموعه این تلاش ها از سوی نهاد فارسی زبانان جهان با یک راهبرد کارشناسانه سمت و سو داده شود - در ایجاد و تثبیت دهکده جهانی گسترش زبان و ادبیات فارسی در جهان بسیار مفید و مؤثر خواهد بود.

در واقع تعاملات فرهنگی و اقتصادی حوزه ادب فارسی، می تواند بستر مناسبی را برای رسیدن به همگرایی های گسترده فرهنگی، سیاسی و امنیتی فراهم آورد. و واقعیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دنیای امروز بیش از پیش توجه به این میراث های پیدا و پنهان را الزام آور می سازد. زبان فارسی، زبان بین المللی عرفان است؛ چه بسیار عارفانی که از ترک و عرب و هندی کتاب های عرفانی خود را به فارسی نوشته اند. مکتب تصوف هندوپارسی که از قلمرو زبان فارسی به آسیای غربی و حتا شمال آفریقا نشر یافت، بیشتر کتاب ها و متون خود را به نشر یا شعر فارسی نوشته و زبان تصوف در شبه قاره هند و حتا در میان ترکان، همواره فارسی بوده است.

زبان فارسی به گنجینه بی کهن و پر بها و پر از در و گهر تشبیه شده است و همچون معدنی سرشار از گران بهاترین گنجینه های زمین در دل زمان است. زبان و ادبیات فارسی و میراث این زبان توانمند با گنجینه بی نظیر و معنای عمیق پرچمدار عرفان، فرهنگ، اخلاق و زیباشناسی به پهنای جهان بوده و در طول تاریخ پیدایش خود، اندیشمندان و انسان های بی شماری را از اقوام گوناگون از شرق و غرب جهان شیفته خود کرده است.

در طول تاریخ سترگ این تمدن کهن زنده، زبان و ادب فارسی مورد توجه بسیاری از عالمان، محققان، نویسندگان و شرق شناسان بزرگ جهان قرار گرفته، به طوری که در تمدن و ادبیات عرفانی اش مسحور و هضم شدند و آثار بزرگی را از خود به یادگار گذاشته اند. شخصیت هایی چون: ویلیام ارسکین، ادبیات کلاسیک فارسی / آرتور جان



### علی معروفی

ارایه می دهند. در اولین سمستر ورودی دوره ها، دانشجویان با دستور زبان و واژه گان زبان فارسی محاوره ای نیز آشنا می شوند.

ارج و قرب زبان فارسی در این دانشگاه ها بسیار بالا است. در این دانشگاه ها اصلاً کاری به امور سیاست و مسایل حاشیه ای آن ندارند؛ زیرا معتقد اند زبان فارسی پیراسته از جنگ و خشونت و بازیچه های سیاسی است.

#### سخن پایانی:

شاید جلب توجه و نگاه جهانیان به سوی کشوری چندان دشوار نباشد، اما نکته اصلی تر آن است که کشورها باید از توانی بالا در ارائه فکری حساب شده، قوی و منطقی برخوردار باشند. از هر سو صداهایی دیگر برمی خیزند که در برابر تحکم ارزش های بازاری سرخ نمی کنند و میراث گذشته را می طلبند. از هویت های از یاد رفته احقاق حق می کنند و خواستار حیات دوباره روپاهایی هستند که در زیر خاک نظام جهانی مدفون گشته اند. اگر سامانه و روشی علمی بخواهد در دنیای شتابنده جدید به حیات پوینده خود ادامه دهد و از سوی پشتوانه ها و اصالت های تمدنی خویش را از دست نهد، راهی جز نو شدن نظام مند همراه با فهم زمان ندارد.

زبان فارسی یکی از گنجینه های علمی و فرهنگی بشر محسوب شده و در رهگذر تاریخ، بستر انتقال دانش و فرهنگ بشری، به ویژه در دوره های شکوفایی فرهنگ و تمدن فارسی و اسلامی در حوزه وسیعی از تمدن های کهن بوده است. جهانیان بر این نکته معترف اند که زبان فارسی، حامل ارزش های الوالی انسانی، اخلاقی و عرفانی است و در عصر حاضر که ایستار درون وابستگی در حال گسترش است، ضرورت پامداشت آن برای تعمیق صلح و دوستی میان ملت ها بیشتر احساس می شود. علی رغم فراز و نشیب ها و رویدادهای پرتبوتاب و گاه ناخوشایند سه سده اخیر، باز هم این زبان غنی، شیرین و دلنشین در دورترین نقاط جهان حضور و نفوذ داشته و دارد و گواه این مدعا، ترجمه و تألیف هزاران کتاب و مقاله از سوی خارجیان درباره آثار جاودان و جهانی ادب فارسی مانند: شاهنامه فردوسی، مثنوی مولانا جلال الدین بلخی، خمسه حکیم نظامی گنجوی، گلستان و بوستان سعدی، غزلیات و دیوان خواجه حافظ شیرازی، رباعیات حکیم عمر خیام و بسیاری از آثار علمی، مذهبی، ادبی و هنری دیگر است.

اوهایو - گروه زبان و فرهنگ های خاور نزدیک، دانشگاه کلمبیا - گروه فرهنگ و زبان های آسیایی و خاورمیانه ای، گروه تمدن و زبان های خاور نزدیک، دانشگاه واشنگتن، دانشکده مطالعات شرقی دانشگاه آکسفورد، دانشکده مطالعات شرقی دانشگاه کمبریج، گروه مطالعات خاورمیانه ای دانشکده هنر دانشگاه منچستر، گروه مطالعات خاورمیانه ای و اسلامی دانشگاه دورهام، مرکز مطالعات خاورمیانه ای دانشگاه لندن، کالج اسلامی تحقیقات پیشرفته (لندن)، مرکز آموزش زبان دانشگاه هلستینکی، مرکز هاگگوب کورکیان وابسته به گروه مطالعات شرقی دانشگاه نیویارک، دانشگاه کلمبیا - گروه فرهنگ و زبان های آسیایی و خاورمیانه ای، دانشکده مطالعات شرقی دانشگاه آکسفورد، دانشکده مطالعات شرقی دانشگاه کمبریج، مرکز مطالعات خاورمیانه ای دانشگاه لندن و مطالعات خاورمیانه ای دانشکده هنر دانشگاه منچستر. مراکز و دانشگاه های فوق در زمینه زبان فارسی سه دوره آموزشی ارائه می دهد: ۱- دوره فوق لیسانس: یک دوره دو ساله است که در اکتوبر یا سپتمبر هر سال آغاز می شود. شرط ورود برای دانشجویان داشتن لیسانس زبان فارسی است؛ ۲- دوره فوق لیسانس تحقیقاتی: یک دوره دو ساله است که در ماه مارچ هر سال آغاز می شود؛ ۳- دوره دکتری: یک دوره ۵ ساله است که در ماه مارچ هر سال آغاز می شود. شرط ورود برای دانشجویان داشتن فوق لیسانس زبان فارسی است.

کتاب هایی که در این دانشگاه ها تدریس و آموزش داده می شود، کتاب های به روز و حتا کتاب هایی است که در مراکز دانشگاهی فارسی زبانان در رشته زبان و ادب فارسی تدریس می شود. اساتید در آموزش زبان و امتحان گرفتن از فراگیران، برنامه های بسیار سخت و شدیدی دارند به طوری که در امتحان شفاهی باید متن های کلیله و دمنه را به راحتی بخوانند و یکی از داستان های بلند کلیله و دمنه یا تاریخ بیهقی را از حفظ بخوانند و معانی شعر حافظ و سعدی و مولانا را بلد باشند. در این مراحل، دانشجویان واژه گان، اصطلاحات و اطلاعات خود را در زمینه دستور زبان فارسی افزایش می دهند. بعد از گذراندن این مرحله، آموزش ادبیات فارسی آغاز می شود. آموزش های این دوره به طور مشخص شامل خواندن نظم و نثر سعدی است و متون تاریخی و متون عرفانی نیز مورد توجه قرار می گیرد. در مراحل پیشرفته برای دانشجویان، صنف های نمایشنامه های معاصر فارسی، نثر جدید علمی یا طنزنویسی فارسی تشکیل می شود. این گروه برای آموزش قواعد دستوری، نوشتن و صحبت کردن زبان فارسی، یک دوره آموزشی یک ساله

آربری و تاریخ ادبیات فارسی / تألیف هرمان اته نمونه های کوچکی از این رهاورد شیفته گی است. پهنه تاریخ ادب پارسی، بیانگر این حقیقت است که بزرگ مردان این خطه ادب پرور، با الهام از موارث فرهنگی، معنوی و ادبی متناسب با فطرت پاک و سلیم انسانی و با الهام از سرچشمه زال وحی الهی، ظرایف و طرایف سخن را به اعلی علین رسانیده و در رهگذر تاریخ فرهنگ و ادب انسانی به بستر شورآفرینی و دلنشین در خور و صفی کشانیده اند. «پارسی، مانند شیرینی است» این جمله بی ست معروف و متناسب به یک محقق هندی به نام تایدنس. واژه های فراوانی در زبان های عربی، ترکی، روسی، انگلیسی، فرانسوی و آلمانی نیز فارسی است و بسیاری از فارسی زبانان آن را نمی دانند. در بیشتر کشورهای دنیا زبان فارسی در دانشگاه ها تدریس می شود. گسترش، رخنه و آوازه این تمدن بزرگ همراه با زبان و ادبیات شیرین اش در قلمرو جغرافیایی، معنوی و ادبی اش جاذبه های خاصی را برای مخاطبان در سراسر دنیا رقم زده است، که همه دال بر جهانی بودن و رسا بودن زبان فارسی می باشد. زبان و ادبیات فارسی در جهان با این گسترده گی چه به صورت پیشرفت رایانه ای و چه به صورت نوشتار در کتب، تأثیر خود را در جهان معاصر گذاشته است؛ پس بپذیریم که زبان فارسی جهانی می شود و مردمان و ملت های بسیاری را از فرهنگ غنی و ذخایر ادبی بی انتهایش سیراب خواهد کرد.

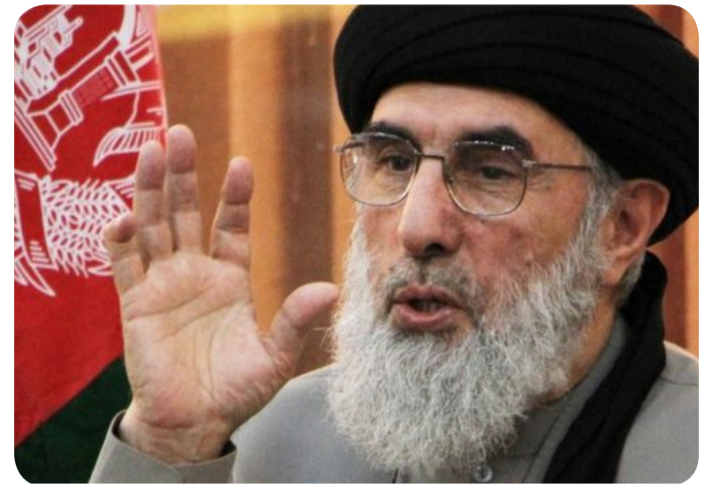
مرکز آموزش زبان فارسی خیام در امریکا در ایالت کالیفرنیا، زبان فارسی دانشگاه پنجاب پاکستان، زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کراچی پاکستان، زبان فارسی دانشگاه مسکو، دوره آموزش فرهنگ و زبان فارسی مؤسسه تحقیقات خاور نزدیک وابسته به دانشگاه کپنهاک، دانشکده مطالعات آسیایی دانشگاه ملی استرالیا، بخش مطالعات فارسی دانشگاه هاروارد، دانشکده مطالعات خاورمیانه و دانشگاه برکلی، دانشکده هنرها و علوم دانشگاه واشنگتن در سنت لوییس، گروه ادبیات و زبان های دانشگاه یوتا، گروه تمدن ها و زبان های خاور نزدیک دانشگاه شیکاگو، گروه مطالعات خاورمیانه ای دانشگاه نیویارک، دانشگاه ایموری - گروه مطالعات جنوب آسیا و خاورمیانه ای، دانشگاه تگزاس (اوستین) - گروه مطالعات خاورمیانه ای، دانشگاه سان دیه گو - کالج تحقیقات وابسته و صنف های آزاد، دانشگاه میشیگان - گروه مطالعات خاورمیانه ای، دانشگاه ویرجینیا - مرکز آموزش علوم و هنرها: دوره های آموزشی تحقیقات خاورمیانه ای، دانشگاه



# حمله افراد حکمتیار به نماز گزاران در تخار

آگاهان:

اگر جلو نفرات مسلح حکمتیار گرفته نشود، وقایع وحشتناک دیگری هم اتفاق خواهد افتاد



بعد از وارد شدن حکمتیار از پاکستان به افغانستان و پیوستنش به ورنه صلح، اعضای این حزب به صورت مسلحانه دست به اقداماتی زده اند و تا بحال چندین حمله مسلحانه را بر مخالفانشان انجام داده اند. ولایت تخار از جمله مناطقی است که در چند ماه گذشته چندین حمله توسط هواداران حکمتیار بر مخالفانشان صورت گرفته است و تلفاتی را در پی داشته است. پیش تر هم در شرق کابل، در جنگ میان دوفرمانده پیشین آقای حکمتیار، قوماندان قلم از فرماندهان مشهور آقای حکمتیار کشته شد و همچنان برادر زرداد فریادی، فرمانده پیشین و نزدیک به آقای حکمتیار که در بریتانیا زندانی بود و اکنون آزاد شده است، در این انتقام گیری کشته شده است.

**ترور مولوی نذرالله**  
چهارشنبه شب گذشته، یک عالم دین، پس از اعتراض در برابر یک فرمانده حزب اسلامی، توسط این حزب ترور شده است. بر بنیاد گزارشها، مولوی نذرالله، به اتهام شرکت در راهپیمایی های دادخواهانه در برابر یک فرمانده محلی در تخار ترور شده است این فرمانده محلی بشیر قانت نام دارد. مولوی نذرالله از علمای معروف تخار، ساعت ۸ شب پس از ادا نماز خفتن در روستای زرگران ولسوالی چاه آب، در حالی که به سوی خانه اش می رفت، به قتل رسید.

افضل شامل، عضو مجلس سنا به رسانه ها گفته است که این رویداد پس از آن رخ داد که مولوی نذرالله در یک راهپیمایی دادخواهانه در



بشیر قانت، فرمانده متهم حزب اسلامی

برابر بشیر قانت، یک فرمانده مسلح غیرمسئول وابسته به حزب اسلامی شرکت کرده بود. آقای شامل می گوید، حسین جندی، از افراد وفادار به بشیر قانت، فرمانده مسلح غیرمسئول وابسته به حزب اسلامی گلبدین حکمتیار سه روز پیش در حضور باشنده گان محل به مولوی نذرالله هشدار داده بود که او را به خاطر «مانور علیه آنان و شرکت در راهپیمایی» می کشند. به گفته باشنده گان ولسوالی چاه آب، مولوی نذرالله در سخنرانی روز گذشته اش (چهارشنبه)، جهاد در برابر بشیر قانت و افراد مسلح غیرمسئول

مولوی اکبری به بی بی سی گفت که هدف افراد مسلح خود او بوده و دو روز پیش آقای قانت تهدید کرده بود که دیگر در این مسجد امامت نکند. آقای اکبری افزود که او این موضوع را با مسئولان محلی در میان گذاشت و امروز زمانی که ۱۵ نفر از افراد فرمانده بشیر قانت به مسجد حمله کردند، فرمانده پلیس، مدیر اداره امنیت و ۳۰ نفر از ماموران امنیتی در آن جا حضور داشتند.

این روحانی محلی همچنین گفت وقتی که افراد مسلح بشیر قانت مسجد را به گلوله کلاشینکف و آرپی جی بستند، مسئولان و ماموران امنیتی از محل فرار کردند.

**واکنش حزب اسلامی**  
حامد عزیززی، سخنگوی حزب اسلامی حکمتیار، در صحبتی با بی بی سی تأیید کرد که بشیر قانت "از فرماندهان پرتفوذ" این حزب در تخار است.

او افزود که اگر گروه های دیگر "سعی در بدنام کردن" آقای قانت داشته باشند، حزب اسلامی "از او قویا حمایت می کند"، اما مسائل شخصی



مولوی نذرالله فرمانده ترور شده از سوی حزب اسلامی

این فرمانده خود را بر عهده نمی گیرد. آقای عزیززی گفت که در این مورد مشخص، که روز جمعه در مسجد چاه آب اتفاق افتاده، اگرچه خبرهایی شنیده، اما در حال حاضر نمی تواند اظهار نظر کند.

**'نیروهای حزب اسلامی تاهنوز خلع سلاح نشده'**  
سخنگوی والی تخار می گوید که مهار نیرو تحت فرمان این فرمانده حزب اسلامی، که چند ماه پیش به روند صلح پیوسته و هنوز خلع سلاح نشده، از توان حکومت محلی تخار بیرون است.

به گفته او، پیش از این هم افراد وابسته به بشیر قانت در چند مورد درگیری و رویدادهای امنیتی دخیل بوده اند که در نتیجه آن "ده ها" نفر کشته شده اند.

آقای تیمور افزود که در مورد هیئتی از جانب ریاست جمهوری به تخار آمد و از فرمانده قانت تعهد گرفت که دیگر امنیت منطقه را مختل نکند، اما با قوع رویداد روز جمعه دیده می شود که او به تعهد خود پابند نیست.

**خطر نفرات مسلح حکمتیار**  
اما برخی از کارشناسان در گفت و گو با روزنامه مانده گار گفته اند که اگر جلو نفرات مسلح حکمتیار گرفته نشود، ممکن است فاجعه های وحشتناک دیگری هم در این کشور رخ بدهد. این منتقدان انتقاد می کنند که حکومت وحدت ملی، تا بحال از فرمانده بشیر قانت حمایت کرده و در چندین مورد قتل و کشتاری که او سامان داده است، هیچ بازخواستی از او صورت نگرفته است.

عدلی وزارت:

# یو شمېر رامنځته شوي گوندونه او خوځښتونه راجستر شوي نه دي

ازادي راډيو ته وويل: "د افغانستان د ټولو خلکو طبيعي حق دی چې غورځنگ، گوند او سازمانونه جوړ کړي، خو هغه لقبونه چې دوی يې ټاکي په حقوقي شخصيت بدلېږي او وظيفه يې همدا ده چې ځانونه قانونمند کړي تر څو ځواب ورکونکي وي."

له دې ټولو سره ډلې، گوندونه او د خلکو خوځښتونه وايي، د دوی فعاليت په هېواد کې د امنيت او ټولنيز عدالت د ټينگښت لپاره دی او د دغه هدف لپاره هرو مرو خپلو هڅو ته دوام ورکوي.

خو هغه څه چې په دې اړه يې اندېښني لاندېږي کړي د دغو ډلو ټولو څخه په بېلابېلو رنگونو گټه اخيسته ده.

د عدلي وزارت د اندېښنو وړ ها خوا يو شمېر خوځښتونه د عامو خلکو تر انتقاد لاندې هم راغلي او د فعاليتونو په اړه يې غبرگونونه لري. رحمت الله په دې اړه ازادي راډيو ته وويل په وروستيو کې جوړ شوي خوځښتونه تر ډېره د خپلو شخصي گټو او جيونو په فکر کې دي نه د دې چې د عامو خلکو غم وخوري.

نوموړي زياته کړه: "دوی د ملت په خدمت کې نه دي چې کله هم خپلې گټې په خطر کې ويني ودرېږي، حرکت کوي او ائتلافونه جوړوي موږ ترې څه گټه نه ده ليدلې."

د کابل يو بل اوسېدونکی ولي محمد وايي، د ستونزو او انتخاباتو په وخت کې تل د ائتلافونو، گوندونو او ډلو شاهد وي خو تر ډېره يې احساس دا وي چې دا ټول د خپلو گټو لپاره فعاليت کوي.

خو ايا رښتيا هم همداسې ده؟ کارپوه ودير صافي وايي چې دا له حقيقته لېسې خبره نه ده چې د دغو ټولنو په منځ کې ځينې کسان په دولت د فشار او عدالت ټينگښت پر ځای شخصي گټو ته لومړيتوب ورکوي.

بناغلی صافي په دې باور دی چې د دومره ډېرو گوندونو، ټولنو او خوځښتونو سره سره د افغانستان راتلونکی روښانه نه دی ځکه چې دوی نه دي توانېدلي د عدالت د ټينگښت لپاره اغېزمن څه وکړي.

نوموړي زياته کړه: "که دا انتقاد وکړو چې دوی شخصي ملحوظات لري او فعاليت يې نه دی کړی هم ويلاى شو ځکه ليدل کېږي چې هېڅ چا هم په دې هېواد کې کار نه دی کړی هغه گوندونه چې له حکومت سره دي هېڅ څه يې نه دي کړي او هره ورځ کار په خرابېدو دی."

د ودير صافي په باور که د خلکو ټولني، خوځښتونه او گوندونه قانوني او حرکات يې د خلکو د غوښتنو سره سم پر مخ ولاړ نه شي افغانستان به له نويو ستونزو سره مخ شي.

د افغانستان د عدلي وزارت وايي، يو شمېر گوندونه او خوځښتونه چې گرم فعاليتونه تر سره کوي راجستر نه دي او وايي چې يادو گوندونو او د خلکو خوځښتونو ته وخت ورکړل شوی تر څو خپل موجوديت رسمي کړي.

د عدلي وزارت وايي، ځينې ډلو چې له ځينو پېښو وروسته پيدا شوي ژر په راجستر کېدو اقدام کړی خو ځينې نورې بيا له ثبت کېدو پرته فعاليت کوي.

د ياد وزارت وياند امان رياضت وايي چې د افغانستان قوانين په دې اړه ښه وضاحت لري. نوموړي زياته کړه: "د قانون حکم داسې دی، هر کله چې يو بنسټ، ټولنيز سازمان خپل شرايط چې ورته ټاکل شوي پوره کړي نو د عدلي وزارت ته بايد راشي او چې ثبت يې کړو، هغه خوځښتونه او بنسټونه چې تاسې يې نوم اخلي تر اوسه يې مراجعه نه ده کړې."

په هېواد کې د نامنيو څپو له زياتېدو سره يو شمېر مدني فعالانو ته ښه فرصت په لاس ورغی چې سره يوځای شي او د هغه څه په اړه چې دوی يې د خلکو غږ بولي د حکومت پر وړاندې ودرېږي.

د روښنايي غورځنگ، د ملي نوښن جبهه، د ختيځو قومونو شورا، د بدلون لپاره پاڅون، د گذار خوځښت، د افغانستان د خلکو ملي محور د هغو حرکتونو نومونه دي چې په وروستيو مياشتو کې جوړ شوي دي.

د گذار په نوم د خلکو د خوځښت اجرائيوي رئيس فهيم فطرت دغو اندېښنو ته په ځواب کې وايي چې د حرکتونو او خوځښتونو د جوړېدو هدف د عدالت ټينگښت دی نه له هغه زيات څه.

بناغلی فطرت مني چې يو شمېر دا ډلې راجستر شوي نه دي خو په باور يې دا ډول خوځښتونه دوامداره نه وي نو ځکه يې د ثبت کېدو اړتيا نشته.

نوموړي زياته کړه: "د خلکو غورځنگونه او مدني حرکتونه چې د وخت د يوې پېښې په اړه جوړېږي راجستر کېدو ته اړتيا نه لري او نه هم دوی دا کار کوي، ځکه چې سازمانونه بايد د يوه جوړښت شاهد وي، خو د خلکو بنسټونه لکه د نوم نه يې چې روښانه ده د مشرتابه کوم خاص سيستم نه لري د خلکو له خوا جوړېږي او د همدوی لخوا رهبري کېږي."

نوموړی ټينگار کوي تر هغې چې د خلکو غوښتنې پوره او ټولنيز عدالت ټينگ نه شي خپل خوځښتونه به ونه دروي.

د حقوقي چارو يو شمېر کارپوهان بيا وايي، د خلکو خوځښتونه چې کله له يوه حرکت څخه يې فعاليتونه پراخېږي د يوې ډلې نوم پر ځان اېږدي نو د راجستر کېدو اړتيا يې ده. د حقوقي چارو کارپوه کبير رنجبر په دې اړه



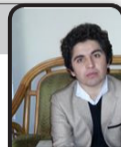
فیسبوك نامه

سمیع حامد



"پوهنتون" از روی "دانشگاه" ساخته شده است: برگردان مستقیم آن است. واژه زیبایی است برای زبان پشتو اما رد کاربرد دانشگاه (و دیگر واژه گان) در زبان پارسی-دری فاشیزم است. روش رویارویی با فاشیزم زبانی این نیست که واژه به واژه پیش برویم و هی دانشگاه و پوهنتون بگوییم. روش بنیادی مبارزه با این چالش کوشش در راستای تحقق "قانون زبان ها" است. اگر قانون زبان ها جا بیفتد تمام زبان های سرزمین ما می توانند بمانند. جدابنداری "دری" و "پارسی" یا از سرنادانی است و یا به انگیزه خرابکاری (حکمتیاری). بیاید کارزار "قانون زبان ها" را راه اندازی کنیم تا این مشکل برای همیشه حل شود!

کام بخش نیکویی



قومی سازی سیاست و اعلام مواضع از نشانی های قومی، یکی از نمودها و نمادهایی تفکر تحجرگرایی و عقیمانده گی و کوفته گی ذهنی است. این بلاهت جانکاه و مرض کشنده، سال های سال است که بر تفکر و ذهنیت حاکم بر جامعه افغانستان سایه افکنده و بسیاری از کنشگران سیاسی-اجتماعی و جریان های فکری و سیاسی برای مطرح شدن و زبان زد شدن بین توده ها و عوام، از چنین روشی برای تعریف خود سود برده و بر پایه این اصلیت تأکید می کنند. قوم مداری و تأکید بر مولفه های قومیت و ارجحیت دادن به چنین ارزش هایی و بر پایه چنین امری، تصمیم گیری سیاسی و نگاه و توضیح مسایل اجتماعی-سیاسی و فرهنگی پیامدهایی وحشتناک و خونینی را بار می آرد که نشانه و نمونه آن را می توان در دهه هفتاد علامت زد که با جزیره سازی قومی قدرت، بر روی یک دیگرمان شلیک کردیم و لانه هایی سیاسی منطقه یی را ساختیم که پیامدی نداشت جز ویرانی، دربه دری، مهاجرت و فروریزی شهرها و مکان ها.

با توضیح این مفروضات اولیه، من فکر می کنم کوبیدن بر دهل قومی و قوم مداری در امر سیاسی به همان اندازه یی که تحجرگرایی و عقیمانده گی را گسترده می سازد، به همان اندازه دامنه جنگ، خون و خیانت را از نشانی های قومی گسترده و فریه می سازد. کوبیدن بر دهل قومی در واقع میدان دادن به کسبه کاران سیاسی و حرافان بی روزگاری است که از نشانی قوم در ساخت قدرت تغذیه و تمویل می شوند و این واقعیت سیاسی می تواند قدرت مافیایی قومی را گسترده و بساط شایسته سالاری و دانش گرایی را برچیند. نسل نو و نسل تحصیل کرده و غریبه و بی مسکن، راهی ندارد جز نقد بی رحم از چنین سیاست مداران و کسبه کاران سیاسی که دهل قومی و قومیت مداری آمیخته با تحجرگرا را می کوبند و سنگ قومیت را به دروغ به سینه می کوبند.

طلب الدین غیثی



پشتو، فارسی، حکمتیار...

اگر با زبان پشتو بیشتر از فارسی صحبت نکرده باشم، کم هم صحبت نکرده ام. برایم تفاوت زبان مطرح نیست و دوست دارم توانایی ام به زبان پشتو و فارسی بیشتر از سایر زبان ها باشد. امروز نوار سخنرانی حکمتیار صاحب را که به زبان پشتو صحبت می کرد، تماشا کردم و در میان صحبت های خویش از واژه ترمینالوژی/ترمینالوژی چندین بار استفاده کردند که «ذخیره واژه گان پشتویم» در برابر آن بیچاره و ناتوان گشت. ایشان در این سخنرانی خویش به مردم نصیحت و مشوره می دهند که نباید از واژه های ایرانی استفاده کنند و ترمینالوژی کشور را در نظر گیرند. منظورشان توقف استفاده از واژه هایی است که میان مردم افغانستان و ایران (فارسی) مشترک است.

در میان چک چک کننده گان یک کسی پیدا نشد که بگوید: حکمتیار صاحب! شما که در سخنرانی تان برای مردم پند و نصیحت دارید و برای رشد زبان های وطن عرق ریزی می کنید، لطف کرده در مورد واژه جدید پشتو «ترمینالوژی» که در سخنرانی تان به کار بردید، معلومات دهید تا به معلومات و ذخیره واژه گانی ما افزوده شود و از واژه ساخته شده حکمتیار صاحب برای زبان های کشور محروم نگردیم!

عوام فریبی از نوع سران حکومت وحدت ملی!



رحمت الله نیل

مدت ها است که مردم بی گناه ملکی، نیروهای امنیتی و دفاعی ما در گوشه و کنار کشور از کابل تا قندهار، هلمند، پکتیا، فاریاب، غور، هرات، ننگرهار، بدخشان و همین چند روز پیش میرزا اولنگ سرپل از جانب تروریستان، بی رحمانه قتل عام و سلاخی می شوند. مردم ما همه روزه یا به آتش کشیده می شوند و یا گردن های شان با تیغ این جلادان تاریخ بریده می شوند. تروریستان خون آشام، خون همه اقوام و مذاهب با هم برادر افغانستان را بدون تفکیک می ریزند، جنایات نابخشودنی و ضد بشری را انجام می دهند. در مقابل، روزانه مردم بی دفاع ما از گوشه و کنار کشور از این درد و زجر کشیدن ها داد و فریاد می کشند و به خود می پیچند و دادخواهی می کنند و از سران حکومت می خواهند تا حداقل یکبار هم که شده، دردشان را به تمسخر نگیرند و از خون اولادهای شان باج گیری نکنند.

اما سران حکومت به اصطلاح وحدت ملی با بی احساسی و پُرویی تمام از این وضعیت بد امنیتی در کشور استفاده ابزاری، جهت طرح و تطبیق برنامه های تیمی، سمتی و تباری شان می کنند. این ها با عوام فریبی و با کمال پُرویی می گویند که کسانی داد و فریاد می کنند که منافع شان از تطبیق برنامه های اصلاحی ما به خطر افتاده است و گویا این بلند کردن فریادها جهت متوقف ساختن اصلاحات است. این در حالی است که بیشتر از ۹۰٪ مردم ما از وضعیت جاری در کشور نگران و مأیوس از آینده هستند. این است نتیجه اصلاحات تان و این است نتیجه طرح های تان که سه سال قبل با ذکرشان گلو پاره می کردید؟

مدت ها قبل گفته بودم که: "از توطئه ها و معامله های درونی و بیرونی بگذرید و بیشتر از این افکار مردم و خرد جمعی را به تمسخر بگیرید. بیشتر از این با برنامه های گنگ و مبهم تان، نظامی را که به قیمت خون میلیون ها انسان به دست آمده است، به باد هوا ندهید. در عوض، خطرها و بلاهای کلانی را که از این سو و آن سو در آینده های نه چندان دور به کشور آمدنی است، درک کنید و جهت دفع و طرد آن برنامه ریزی کنید."

چون می دانستم که دشمنان علنی نظام و مردم افغانستان و شما سران حکومت، مصروف چه برنامه هایی هستید؟! شما با حرف و عملکردهای ناسنجش شده سیاسی، ناشی از تعصب، بی عدالتی و انحصارطلبی تان، جامعه ما را به سوی متلاشی شدن و لبه پرتگاه کنشاندید اید و تعریف دشمن را از آن سوی مرزها به داخل نهادهای ملی و دولتی و حتا کوچه ها و خانه های مردم انتقال داده اید.

حال و یکبار دیگر می گویم: به عوض این که منتظر رسیدن سه هزار نیروی خارجی جهت نجات «سی میلیون» انسان این سرزمین باشید و تا آن زمان نظاره گر ریختن خون سه هزار هم وطن دیگر ما باشید و یا هم این که در دیدارها و ملاقات های مخفی تان به نظامیان پاکستانی تضرع کرده و معامله های پیدا و پنهان را به قیمت منفعت های ملی و تمامیت ارضی کشور با آنان انجام دهید! بیاید به «سی میلیون» انسان با شرف و با عزت افغانستان رجوع کنید و راه حل را از مردم جویا شوید و به عوض طرح و تطبیق برنامه های مردم را به جان همدیگر انداختن، مردم را از خود ساخته و به عوض ایجاد فصل، سبب وصل مردم شوید. مردم را به عوض بسیج کردن در برابر یکدیگر، علیه دشمنان وطن و تروریستان خون آشام بسیج سازید! ولی اگر توان بسیج مردم را علیه دشمنان وطن هم از دست داده اید، پس بدانید که شما بر علاوه مشروعیت قانونی، مشروعیت مردمی را نیز از دست داده اید. پس بیاید شرافت ماندن از مردم معذرت بخواهید و صادقانه در پیشگاه مردم اعتراف کنید که هیچ گونه طرحی برای نجات کشور از این بحران ها ندارید. در آن صورت نسل جوان و ظرفیت های وطن دوست کشور اصالت و رسالت دارند، تا در مورد آینده کشور تصمیم اتخاذ کنند و کشور را از ورطه هلاکت نجات دهند.

وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ

سیرت افغانستان در فهرست تازه رتبه بندی تیم های فوتبال

153	Chad	168 (168.47)	168	-2	0.00	0.00	293.25	146.63	0.00	109.22	21.84
154	Puerto Rico	167 (166.77)	167	-2	8.50	8.50	255.43	127.71	101.86	30.56	0.00
155	Solomon Islands	162 (162.03)	162	-1	124.84	124.84	74.38	37.19	0.00	0.00	0.00
156	Algharistan	160 (160.12)	160	-1	81.93	81.93	96.69	48.34	97.75	29.33	102.63
157	Myanmar	157 (157.22)	157	0	74.38	74.38	87.83	43.92	86.77	26.03	64.50
158	Gambia	156 (155.68)	156	3	70.89	70.89	59.85	29.93	120.96	36.29	92.80
159	Moldova	154 (154.19)	154	-1	78.40	78.40	22.00	11.00	82.50	24.75	200.24

افغانستان یک پله در رتبه بندی تیم های فوتبال جهان عقب رفت. بر بنیاد رتبه بندی جدید فدراسیون جهانی فوتبال، افغانستان از مقام ۱۱۵۵ام به مقام ۱۵۶م نزل کرده است. این در حالی است که تیم فوتبال افغانستان در ماه جون امسال با شکست مالدیو به میزبانی امارات متحده عربی از سه حریف خود پیشی گرفت و مدتی بعد به مصاف کمبودیا رفت، اما بازی به نفع تیم حریف پایان یافت. قرار است روزهای پایانی ماه جاری/اگست افغانستان در کشور عمان در یک بازی دوستانه به مصاف میزبان برود. عمان در حالی با افغانستان رویارو می شود که مقام ۱۱۲۰ام را در رتبه بندی جهانی دارا است. در فهرست رتبه بندی برترین تیم های فوتبال جهان، تیم ملی فوتبال آلمان مقام نخست را دارد. برازیل، آرژانتین، سوئیزلند، پولند و پرتگال به ترتیب مقام های دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم این فهرست را به دست آورده اند. از کشورهای همسایه، اما پاکستان در بدترین وضعیت ممکن قرار داشته و در رتبه بندی جهانی مقام ۲۰۰ را گرفته، اما ایران با مقام ۱۲۴ام، حرف اول را در فوتبال آسیا می زند.

نیمار و پدرش

از باشگاه بارسلونا شکایت کردند



ستاره برزیلی تازه خریداری شده پاری سن ژرمن به همراه پدر و وکیل خود از باشگاه بارسلونا به فیفا شکایت کرد. این ستاره برزیلی که چهره منفور این روزهای کاتالونیا است، با این کار به یک سبیل متحرک تبدیل شده که در اولین فرصت مورد حمله هواداران بارسلونا قرار خواهد گرفت. اکیپ فرانسه در گزارش روز گذشته خود نوشته است: لحظه به لحظه بر ضرب خطر رویارویی نیمار با بارسلونا اضافه می شود، این گونه که نیمار پیش می رود، شاید بهتر باشد مقابل بارسلونا هیچ وقت بازی نکنند. پدر نیمار شکایت رسمی علیه باشگاه بارسلونا را به فیفا تقدیم کرده و در آن به کوتاهی باشگاه بارسلونا در انجام وظایف و عدم حمایت از نیمار در فرایند دادگاه مالی اشاره کرده است. از طرفی نیمار در خصوص دادگاه مربوط به قرارداد مالی خود، اعاده حیثیت کرده و بارسلونا را متهم به سکوت سفارش شده از سوی دولت اسپانیا کرده است.

بازگشت مصطفی حدید به میدان



مصطفی حدید، مدافع با تجربه تیم ملی فوتبال کشور که در لیگ دسته ۴ فوتبال آلمان شافل است، با انتشار دو عکس در صفحه رسمی فیس بوکش، خبر بازگشتش به میادین را داده است. این دو عکس مربوط به دیدار هفته گذشته تیم های التونیا ۹۳ هامبورگ و تیم لیگ برتری وستهم یونایتد در آلمان است. این مسابقه در تاریخ اول اگست در شهر هامبورگ برگزار شده که در نهایت با تساوی ۳ بر ۳ به کار خود پایان داده است. حدید در این مسابقه ۴۵ دقیقه برای تیمش در مقابل وستهم یونایتد بازی کرده است. لازم به ذکر است که در ترکیب تیم وستهم یونایتد در این مسابقه بازیکنانی همچون، چیچاریتو، خوزه فونته و آندره آپیو حضور داشتند.

# Mandegar

## ترامپ:

# به زودی فیصله نهایی را اعلام می کنیم

گیرد. آقای مک کین در اعلامیه همچنان گفته است: "اما ما باید حقایق را بپذیریم، ما در حال شکست در افغانستان هستیم و اگر ما قصد داریم که وضعیت را تغییر بدیم وقت بسیار مهم است." در استراتژی جدید برای موفقیت در افغانستان که از سوی آقای مک کین پیشنهاد شده، افزایش نیروهای ضد تروریسم در افغانستان و دادن آزادی بیشتر به آنان جهت هدف قراردادن طالبان، گروه موسوم به دولت اسلامی و دیگر گروه‌های افراطی شامل است. اما روشن نشده که چه تعداد سرباز امریکایی اضافی به افغانستان فرستاده شوند. در حال حاضر ۸۴۰۰ سرباز امریکایی در افغانستان مستقر اند. آنان در چارچوب مأموریت حمایت قاطع ناتو سرگرم آموزش، مشوره دهی و کمک با نیروهای دفاعی و امنیتی افغانستان هستند.

مورد انتقاد قرار داده است اما در مورد دخیل بودن کشورش در افغانستان موقف تند ابراز نکرده است. هم‌زمان باین، جان مک کین رییس کمیته خدمات نظامی مجلس سنای امریکا "استراتژی برای موفقیت" در افغانستان را پیشنهاد کرده است. رییس کمیته خدمات نظامی مجلس سنای امریکا گفته است که ایالات متحده بدون هدف در افغانستان است. آقای مک کین سناتور جمهوریخواه متقد پالیسی اداریه دونالد ترمپ رئیس جمهور امریکا در مورد منطقه است. آقای مک کین در یک اعلامیه که در تارنمایش پخش شده گفته است، تصویب یک استراتژی جدید برای تأمین منافع امنیت ملی امریکا در افغانستان تصمیم بسیار مهم است. در ادامه آمده است که در این مورد باید در داخل حکومت امریکا بحث و بررسی دقیق صورت

دونالد ترامپ رییس جمهور امریکا می گوید، به زودی فیصله نهایی اش را در مورد اعزام عساکر اضافی به افغانستان، کشوری که شاهد طولانی ترین جنگ امریکا بوده است، اعلام می کند. به گفته آقای ترامپ این یک فیصله بزرگ است که در آن به بسیاری از ناهمسامانی ها رسیده گی شده است. آقای ترامپ در صحبت با خبرنگاران در نیوجرسی گفت: "به فیصله نهایی بسیار نزدیک شده ایم بسیار نزدیک. این یک فیصله بزرگ برای ماست، در حقیقت در کشوری که شاهد طولانی ترین جنگ ۱۷ ساله امریکاست این فیصله بزرگ است. ناهمسامانی ها برای من به میراث رسیده و اکنون تلاش ما اینست که این ناهمسامانی ها کاهش بیابد." با آن که رییس جمهور دونالد ترمپ مداخله واشنگتن در کشورهای مختلف جهان را

## نماینده ویژه سازمان ملل در امور افغانستان: کشمکش های سیاسی عامل گسترش ناامنی ها در افغانستان است



نماینده ویژه سازمان ملل در افغانستان ضمن بازدید از ولایت فاریاب اعلام کرد که کشمکش های جاری بین جریان های سیاسی و حکومت از عوامل اساسی گسترش ناامنی ها در این کشور محسوب می شود. به گزارش دفتر منطقه ای خبرگزاری تسنیم، «تادامچی یاماموتو» نماینده ویژه سازمان ملل در امور افغانستان اعلام کرد که با وجود کشمکش بین جریان های سیاسی وضعیت امنیتی در افغانستان به زودی بهبود نخواهد یافت. وی با تأکید بر اینکه جنگ جاری در افغانستان از طریق گفت و گو قابل حل و فصل است گفت: «سازمان ملل و جامعه جهانی از روند گفت و گوهای صلح به رهبری افغان ها حمایت می کنند». نماینده سازمان ملل در افغانستان از حکومت خواست تا در کنار تلاش های نظامی به جلب حمایت و همکاری مردم برای رفع نگرانی های امنیتی و حل برخی از مسائل توجه کند. وی در ادامه افزود حکومت افغانستان نباید برای مبارزه با مخالفان مسلح دولت تنها به گزینه های نظامی تکیه کند و به گزینه های صلح آمیز بی اعتنا باشد. نماینده سازمان ملل معتقد است که جنگ، راه حل منازعه در افغانستان نیست بلکه طالبان نیز باید بخشی از آینده سیاسی افغانستان باشند. یاماموتو که در جمع سران احزاب سیاسی و مقامات افغان در فاریاب سخنرانی می کرد، گفت که سازمان ملل تنها از انتخاباتی شفاف و عادلانه که مردم در آن حضور داشته باشند حمایت خواهد کرد. اخیراً برخی از جریان های سیاسی و به ویژه احزاب متقد حکومت، پرسش هایی درباره کمیسیون انتخابات مطرح کرده اند که ظاهراً نماینده سازمان ملل در افغانستان برای رفع این نگرانی ها تلاش می کند. این در حالی است که اخیراً اخباری از عدم مقاومت نیروهای امنیتی افغان در برابر مخالفان مسلح و واگذاری عمدی برخی از مناطق در فاریاب به طالبان منتشر شد که باعث شد تا وزیر کشور با پسر ژنرال دوستم دیدار کند. ولایت فاریاب، پایگاه مردمی حزب جنبش و ژنرال دوستم محسوب می شود که ظاهراً سفر نماینده سازمان ملل به این ولایت به منظور کاهش تنش های موجود بین متقدان محلی و حکومت صورت گرفته باشد.

## ولسوالی جانی خیل پکتیا چرا بار بار سقوط می کند؟

فرد بازداشت شده به رسانه ها گفت که باشند ایالت پنجاب پاکستان است و برای جهاد به افغانستان آمده بود. منشی شورای ولایتی پکتیا گفت که اکنون مردم محل با مشکلات روبه رو اند و بسیاری خانواده ها به ولسوالی های همجوار و یا شهر گردیز مرکز ولایت آواره شده اند. از سویی هم، شماری از اعضای انستیتوت صلح و جنگ می گویند که نا هماهنگی میان نیروهای مسلح افغانستان و ضعف مدیریتی در میدان های جنگ سبب شده تا مخالفان مسلح در میدان های نبرد پیشرفت داشته باشند. حکمت الله اعظمی یک عضو این انستیتوت می گوید: «متأسفانه دولت مصارف زیاد دارد، عساکر زیاد قربانی می شوند تا مناطق را از نزد مخالفان مسلح تصرف کنند، اما برای حفظ آن پلان و مدیریت موجود نیست تا این مناطق را به گونه دوامدار حفظ کنند». اعضای شورای ولایتی پکتیا تأکید دارند، تا زمانی که برنامه های منظم برای تصرف و حفظ ولسوالی های سقوط شده به شمول جانی خیل روی دست گرفته نشود، برخی ولسوالی های دیگر نیز با سقوط روبه رو خواهد شد.

موقعیت کوهستانی این ولسوالی، داشتن سرحد با پاکستان و موجودیت پایگاه های نظامیان پاکستانی و مخالفان مسلح دولت در نزدیکی های این ولسوالی عامل سقوط چند بار این ولسوالی است. به گفته آقای رادمنش، طالبان مسلح بخاطر موقعیت استراتژیک این ولسوالی می خواهند که آن را تصرف کرده و منحصراً یک پناه گاه مهم از آن استفاده کنند. در همین حال حفیظ الله مبارز منشی شورای ولایتی پکتیا می گوید که این ولسوالی بخاطر بار بار سقوط کرده که نظامیان پاکستانی عملاً طالبان را در میدان های جنگ حمایت می کنند. او برای اثبات این ادعایش چنین گفت: "چند روز پیش در همین جنگ پنجابیان بازداشت شدند که اکنون در اسارت نیروهای امنیتی قرار دارند، آنان در اقرار شان گفته اند که تبعه پاکستان اند و از زخمیان شان نیز شناخت کارت های پاکستانی بدست آمده و این ثبوت بزرگ است." هفته گذشته ریاست عمومی امنیت ملی یک مخالف مسلح را در برابر رسانه ها قرار داد که به زبان اردو صحبت می کرد و به گفته یک منبع امنیتی این فرد از جنگ در ولسوالی جانی خیل بازداشت شده است.

در یک و نیم ساله گذشته، این سومین باریست که ولسوالی جانی خیل ولایت پکتیا به دست طالبان مسلح سقوط می کند. وزارت دفاع افغانستان می گوید که درگیری شدید میان قوای مسلح افغانستان و طالبان مسلح در اطراف ساختمان این ولسوالی جریان دارد و مرکز ولسوالی به زودی به تصرف قوای مسلح در خواهد آمد. این وزارت می گوید که عملیات بزرگ به خاطر تصرف دوباره مرکز ولسوالی مذکور آغاز شده و به زودی آن را تصرف خواهند کرد. محمد رادمنش معاون سخنگوی این وزارت می گوید که نیروهای تازه نفس به منطقه محل رسیده اند. رادمنش گفت نیروهای مسلح افغانستان به مرکز این ولسوالی نزدیک شده اند. او افزود: "جنگ میان قوای مسلح و دشمنان جریان دارد و ما این جنگ را مدیریت می کنیم و تحت نظارت ما به پیش می رود، فکر می کنم ما به زودی دشمن را شکست خواهیم داد." سوال اینجاست که چرا این ولسوالی بار بار سقوط می کند؟ معاون سخنگوی وزارت دفاع افغانستان می گوید

## منبع نزدیک به ملا منصور:

## رهبر پیشین طالبان به دلیل مخالفت با سیاست های پاکستان کشته شد

به گفته این مقام طالبان، گرایش ملا منصور به ایران اغلب به هدف خارج کردن وابسته گی طالبان از پاکستان بود. به گفته او، ۹۰ درصد طالبان، پاکستان را در وضعیت ناهنجار افغانستان مقصر می دانند، اما نمی توانند کاری انجام دهند، زیرا آنان می ترسند که به سرنوشت رهبران شان گرفتار شوند. جنرال عبدالرازق، فرمانده پولیس قندهار نیز به نیویارک تایمز گفته است که ملا منصور طرفدار صلح با دولت افغانستان بود، اما ترس داشت که توسط پاکستان ترور شود. او به اطرافیانش گفته بود که روابطش با پاکستان خوب نیست و ممکن کشته شود. ملا منصور گذرنامه پاکستانی به نام جعلی محمد ولی داشت.

"پاکستان خواست های بسیار قوی از او داشت، اما منصور گفته بود که شما نمی توانید برای انجام خواست های تان بر من فشار وارد کنید؛ من شورش گری را رهبری می کنم، تلفات را متحمل می شوم نمی توانید بر من فشار بیاورید." در گزارش به نقل از آغا جان معتمصم، میانجی و وزیر مالیه رژیم طالبان نگاشته شده است که ملا منصور به گفت و گو با دولت افغانستان آماده بود و نماینده گان با صلاحیت اش را بارها به پاکستان فرستاده بود. آغا جان معتمصم گفته است: "ده روز پیش از آنکه ملا منصور کشته شود، او پیامش را به بزرگان و فرماندهان اش فرستاده بود و از آنان خواسته بود تا نظریات شان را درباره گفت و گوهای صلح با هم دیگر شریک سازند."

به گفته این فرمانده طالبان، حساب بانکی منصور توسط پاکستانی ها بسته شده و شگاف عمیق در روابط او با تمویل کننده گان مالی پاکستانی اش به وجود آمده بود. او به روزنامه نیویارک تایمز گفته است: "او می دانست که چیزی در حال وقوع است و به همین دلیل، به خانواده و فرماندهانش گفته بود که متحد بمانند و به خواست های پاکستان تن ندهند." نیویارک تایمز به نقل از این مقام طالبان نگاشته است که ملا منصور در برابر بسیاری از خواست های پاکستانی ها ایستاده گی می کرد؛ چنانچه او معاونیت سراج الدین حقانی، فرد به شدت حمایت شده توسط آی اس آی را رد کرده بود. او هم چنان برنامه پاکستان را برای انجام گفت و گوهای صلح با دولت افغانستان رد کرده بود. فرد نزدیک به ملا منصور گفته است:



یکی از افراد نزدیک به ملا اختر محمد منصور، رهبر پیشین طالبان و از افراد حلقه درونی گروه طالبان گفته است که ملا منصور به دلیل مخالفت با سیاست های پاکستان کشته شد. این منبع به نیویارک تایمز گفته است که ملا منصور طرفدار صلح با دولت افغانستان بود و ده روز پیش از کشته شدنش به بزرگان و فرمانده طالبان گفته بود که نظریات شان را درباره گفت و گوهای صلح با هم دیگر

شریک کنند. به نقل از این مقام طالبان، ملا منصور در بسیاری موارد با پاکستان مخالف بود و پیشنهاد پاکستان برای قبول معاونیت سراج الدین حقانی را نیز رد کرده بود. این فرد به شرط فاش نشدن نامش گفته است که قتل ملا منصور به گونه مرموزی توسط پاکستان مهندسی شده بود و اسلام آباد دیگر بر او اعتماد نداشت و نمی خواست او در سطح رهبری طالبان باقی بماند.